

مدیریت برای نظام؛ پدری برای شاگردان

نگاهی به تاریخ تحولات ایران بعد از اسلام، حکایت از آن دارد که دین اسلام و مذهب شیعه در زمینه‌های مختلف باهدف ایجاد ایرانی اسلامی و سربلند، نقش‌آفرینی کرده‌اند که این نقش‌آفرینی از سطوح مختلف برخوردار بوده است.



سیدمحمد وحید طبسی حائری:نگاهی به تاریخ تحولات ایران بعد از اسلام، حکایت از آن دارد که دین اسلام و مذهب شیعه در زمینه‌های مختلف باهدف ایجاد ایرانی اسلامی و سربلند، نقش‌آفرینی کرده‌اند که این نقش‌آفرینی از سطوح مختلف برخوردار بوده است.

شاید بتوان مهم‌ترین سطحی را که مذهب تشیع در ایجاد آن دخیل بوده، شکل‌دهی به هویت ملی ایرانیان و کمک به ملت‌سازی دانست؛ طوری که نمی‌توان در هیچ حالی کشور و ملت ایران را جدا از دین اسلام و مذهب شیعه تصور کرد. همین هویت اسلام نهاد بوده که موجودیت ایران را به شکل کشوری مستقل در طول تاریخ حفظ کرده است، به طوری که در میان کشورهای جهان، کشور ما از معدود کشورهایی است که هیچ‌گاه استقلال خود را از دست نداده و مستعمره کشوری دیگر قرار نگرفته است. پرچمداری این حرکت دینی - ملی را روحانیت شیعه عهده‌دار بوده است.

روحانیت شیعه با تعهدی که به حفظ مکتب و اصول اسلام داشته، ایران را پایگاه و ام‌القرای اسلام دانسته و تمام تلاش خود را در جهت حفظ توأمان اسلام و ایران مبذول داشته است. این تلاش براساس مقتضیات زمان و مکان صور مختلف یافته و نوساناتی به خود دیده، اما اصل قضیه همواره دنبال شده است. همکاری نزدیک علمای شیعه با پادشاهان صفوی، شکل‌گیری حکومت موازی علما در زمان قاجاریه و مبارزه علما با پهلوی‌ها، جلوه‌هایی از این قضیه را به نمایش گذاشته است.

مهم‌ترین گام را در این عرصه حضرت امام‌خميني(ره) با ایجاد و رهبری نهضت اسلامی ایران از سال 1342 برداشتند و با طراحی مدلی جدید، حکومت جایگزین را با همت و مساعدت همه‌جانبه ملت ایران ایجاد و برای همیشه به سنت تاریخی سرسپردگی پایان دادند و حکومتی مستقل از جریان‌های حکومتی موجود در جهان ایجاد کردند.

یکی از طیف‌هایی که در روشن نگه داشتن چراغ نهضت در سال‌های تبعید امام (ره) و سپس کمک به پیروزی نهضت و ایجاد و تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خود رشادت‌ها و مساعی فراوان بروز دادند، شاگردان امام(ره) بودند که با بهره‌گیری از انفاش ایشان به استوانه‌های انقلاب اسلامی تبدیل شدند و در این راه همتی جانانه به خرج دادند. مردانی که در این حرکت تاریخی خود، آنگونه عمل نمودند که به شجره طوبه اسلام روح و روان تازه‌ای داده و فداکاری در راه خدا را عینیت و تجسم بخشیدند. چهره‌های تابناک آنان همواره مورد احترام و تکریم است و زندگی پرتحرک و سازنده آنان باید راهگشای جامعه ما خاصه جوانان باشد.

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی یکی از شاگردان قدیمی حضرت امام(ره) و دارای پیشینه مبارزاتی ارزشمند است. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ساماندهی کمیته‌های انقلاب به تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی مشغول شد و مسئولیت‌هایی را هم در این راستا بر عهده گرفت. لکن یکی از ماندگارترین خدمات ایشان تأسیس یک مرکز علمی بسیار قوی همچون دانشگاه امام صادق(ع) است که تاکنون برکات بسیار بزرگی در جنبه‌های مختلف داشته است به طوری که مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و دانشجویان دانشگاه در عید غدیر 1384 شمسی می‌فرمایند: «دانشگاه امام صادق(ع) یک پدیده ممتاز است می‌خواهد از همه جهت یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های عملی و رفتاری و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه».

شخصیت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی دارای زوایا و ابعاد مختلفی است که توجه به آن خالی از لطف نیست، لذا نگاهی گذرا به زندگانی ایشان می‌اندازیم تا بیشتر با ایشان آشنا شویم.

متضلع معنوی و با درایت

مرحوم آیت‌الله مهدوي کني در چهاردهم مرداد 1310 در روستاي کن دیده به جهان گشود و پس از طی دوره دبستان و مراحل ابتدایی علم‌آموزی در سن 14 سالگی در سال 1324 شمسی به مدرسه علمیه لرزاده تهران وارد شد و طلبگی را از آنجا در محضر مرحوم آیت‌الله شیخ علی اکبر برهان آغاز کرد. مرحوم برهان عالمی عارف و اهل معنا بود و از نظر تربیتی روش بسیار مؤثری را پی می‌گرفت. سعی و تلاش ایشان پس از مراجعت از نجف به ایران این بود که طلبه تربیت کند. ایشان در تربیت طلبه، 2 چیز را بسیار مهم می‌دانستند؛ یکی درس خواندن به همان شکل سابق طلبه‌ها و دیگری هم مسائل معنوی و تقید به عبادات و نوافل. ایشان به این مورد یعنی نوافل خیلی مقید بودند و از همان ابتدا برای طلبه‌ای که به مدرسه ایشان وارد می‌شد شرایطی را ذکر می‌کردند، از جمله اینکه طلبه‌ای که به اینجا می‌آید نوافلش نباید ترک شود. از خصوصیات دیگر ایشان توسل به اهل بیت (ع) بود که آن را از ملزومات معنوی طلاب می‌دانستند.

مرحوم برهان در تکوین و شکل‌گیری شخصیت مرحوم آیت‌الله مهدوي کني تأثیر بسیار زیادی داشت. حشر و نشر شبانه‌روزی با استاد از ایشان یک شخصیت متضلع معنوی و با درایت ساخت.

آیت‌الله مهدوي کني در سال 1327 شمسی در 17 سالگی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و تا سال 1340 شمسی در قم ماند و از محضر فحول و بزرگانی همچون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی و علامه طباطبایی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی (رضوان‌الله علیهم اجمعین) استفاده‌های شایانی برد و همزمان هم به تدریس سطوح میانی و عالی حوزه مشغول بود. ایشان پس از مدتی اقامت در قم (حدود 13 سال) به تهران مراجعت کرد و در مدرسه مروی به تدریس علوم حوزوی مشغول شد. حدوداً در سال بعد از مراجعت یعنی سال 42 با افتتاح مسجد جدیدالتأسیس که تحت نظارت مرحوم آیت‌الله سرخه‌ای ساخته شده بود، به امامت آنجا مشغول شد. این مسجد پایگاه مناسبی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان شد.

مبارزات ایشان علیه حکومت طاغوت منجر به دستگیری‌های متعدد و تبعید و شکنجه و زندانی‌شدن‌های مکرر ایشان شد. از مرحوم آیت‌الله مهدوي کني تعدادی دستنوشته و تألیفاتی به چشم می‌خورد که یک کتاب در باب اقتصاد اسلامی و یک کتاب هم درباره اخلاق و همچنین کتابی به عنوان شرح دعای افتتاح تألیف فرموده‌اند.

اجراکننده اهداف امام ره

با توجه به اینکه شخصیت آقای مهدوي کني با سیاست عجین شده بود و ایشان به عنوان یک روحانی مبارز و سیاسی شناخته شده بود، مناسب است کمی هم به ابعاد سیاسی زندگانی ایشان مختصراً اشاره شود.

حضرت ایشان با ورود به حوزه علمیه و آشنایی با دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مشاهده ظلم و ستمی که در حق اسلام، علما و مردم می‌شود، روش سیاسی حضرت امام را به عنوان شیوه‌ای که می‌تواند باعث احیای تشیع شود، برگزید. لذا از همان اوان جوانی وارد مبارزات سیاسی شد و به گونه‌ای اجراکننده اهداف امام (ره) بود.

ایشان در سن 18 سالگی (1328 شمسی) در اردستان بود که به شکنجه، تبعید و زندانی‌شدن و بعضی از طلاب و مبلغان همراه منجر شد. با رسیدن این خبر به قم، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به نخست‌وزیر وقت (اقبال) اعتراض کرده و عنوان کردند که چرا فرزند مرا زده‌اید و دستگیر کرده‌اید.

آیت‌الله مهدوي کني در داخل حوزه علمیه فعالیت سیاسی خود را شروع کرد. از جمله فعالیت مهم ایشان عضویت مجمعی سیاسی بود که افرادی چون آیات و حجج اسلام سعادت‌پور (پهلوانی)، محمدی گیلانی، محفوظی، خادمی اصفهانی و... در آن حضور داشتند. بخشی از فعالیت‌های این مجمع صرف تحلیل فضای سیاسی کشور می‌شد. همچنین اعضای این مجمع سعی می‌کردند با خرید کتب کمونیست‌ها و ماتریالیست‌ها، پس از مطالعه و مباحثه، در برابر آنها پاسخ تهیه کنند و در جریان‌ات سیاسی وقت حضور داشته باشند. از دیگر برنامه‌های ایشان، فعالیت در مجامع علمی و سیاسی با حضور برخی دوستانشان مانند حضرات آیات شهید مطهری، شهید بهشتی و موسوی اردبیلی و... بوده است. در این جلسات مباحثی مانند اقتصاد اسلامی و حکومتی اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است که در نهایت منجر به تأسیس هسته‌هایی مثل جامعه روحانیت مبارز تهران و تهیه اساسنامه مبارزاتی و دینی برای آن شد. فعالیت‌های آیت‌الله مهدوي کني در مسجد جلیلی، جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است.

اصرار ایشان بر طرح دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و فعالیت‌های سیاسی ایشان منجر شد که پس از چندین بار دستگیری و بازداشت کوتاه‌مدت، هجوم به منزل جهت ایجاد محدودیت برای سخنرانی، منبر و تدریس، نهایتاً در رمضان سال 53 شمسی بازداشت و به بوکان تبعید شوند. در ادامه و پس از روشن شدن نقش ایشان در پرونده دیگری که از پرونده عمومی طرفداری از

حضرت امام(ره) سنگین‌تر بود، از بوکان به مهاباد و سپس به تهران اعزام می‌شود و در کمیته مشترک ضدخرابکاری و ساواک مورد بازجویی و شکنجه‌های جسمی و روحی قرار می‌گیرد. بخشی از اتهاماتی که ساواک به ایشان زده بود، ارتباط با مبارزان ضد رژیم شاه و کمک مالی به خانواده زندانیان بود.

ایشان به 4 سال زندان محکوم می‌شود که پس از 2 سال و همراه با فضای سیاسی سال 55 به همراه برخی دیگر از زندانیان سیاسی آزاد می‌شود. مبارزات آیت‌الله مهدوی کنی علیه حکومت طاغوت تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی زیر نظر حضرت امام خمینی(ره) ادامه می‌یابد.

کتاب خاطرات حضرت آیت‌الله مهدوی کنی بیانگر نکات ارزشمندی از آن دوران و یاران زندانی مانند حضرات آیات طالقانی، انواری و... و ده‌ها تن از مبارزان روحانی و دانشگاهی و افراد سایر اصناف است.

اعتماد فراوان امام به ایشان

آیت‌الله مهدوی کنی پس از پیروزی انقلاب، سمت‌های مهم و مختلفی را عهده‌دار بوده است که این خود نشانگر اعتماد فراوان مرحوم امام به ایشان است. از جمله این سمت‌ها می‌توان به عضویت در حلقه شورای انقلاب، عضویت در کمیته استقبال از امام، سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی، وزارت کشور، نخست‌وزیری، ریاست دانشگاه امام صادق(ع) و... اشاره کرد.

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بیش از اینکه سیاستمدار و شخصیتی سیاسی باشد، یک روحانی وزین و سنتی بود؛ حضور ایشان در محافل حوزوی و ارتباط تنگاتنگ با طلاب و روحانیون چشمگیر بود. همچنین رابطه دوسویه ایشان با علما و مراجع تقلید نیاز به فصل طولی از بیان حکایات دارد که در این مختصر نمی‌گنجد.

خداوند روح ایشان را با موالیان ارجمندش محشور فرماید و به همه ارادتمندان، دوستان و بیت محترم ایشان صبر و اجر مرحمت فرماید. این مختصر به پاس تلمذ و شاگردی در محضر ایشان در دانشگاه امام صادق(ع) قلمی گردید.
«فسلام‌الله علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حياً»